

بررسی ترجمه گفت‌وگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا (بررسی موردی ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی)

علی اصغر شهبازی^{۱*}، عبدالعلی آلبوبیه لنگرومدی^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران.

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۶

چکیده

عنصر گفت‌وگو از راه‌های اصلی گسترش داستان و تصویر منش‌ها و بازنمود موقعیت‌هاست. در آیات قرآن کریم، گفت‌وگوها، به ویژه در دل قصص قرآنی، جایگاهی برجسته و پرپسامد دارد. یکی از شاخصه‌های برجسته این گفتگوها، تبلور الحان متعدد شخصیت‌هاست که بر پایه کیفیت آرایش واژه‌ها، دلالت عناصر بلاغی جمله، التفات و شگردهای آولیٰ دیگر شکل یافته و گویای شیوه‌ی گفتاری متمایز هر شخصیت است. احیای این ویژگی در زبان ترجمه، مستلزم توجه به ظرفیت‌های زبان مقصد و همه عناصر سبک‌ساز کلام است تا تنوع الحان و سبک گفتگوی شخصیت‌ها در زبان مقصد بازنمایی شود. در جستار حاضر تلاش گردید با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و باگزینش شماری از آیات مبتنی بر گفت‌وگوهای قرآنی در ترجمه خواندنی قرآن از علی ملکی، راهکارهای مترجم در انتقال سبک خطاب‌های قرآنی، مورد تحلیل قرار گیرد. نتایج این بررسی بیانگر آن است که مترجم در این ترجمه با راهبردهایی چون توجه به معنای سبکی واژه‌ها، نحوه ترکیب کلمات در جمله، استفاده از افزوده‌های غرابت‌زدا، بهره‌گیری از واژه‌ها و تعابیر گفتارمحور، به بازآفرینی سبک گفتگوها، اهتمام داشته است.

واژگان کلیدی: ترجمه خواندنی قرآن، تعادل پویا، گفتگوهای قرآنی، لحن.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

بی‌گمان، سبک بیان و لحن گفت‌وگو، تصویری از فضای روحی و عاطفی گوینده را به مخاطب منتقل می‌سازد که توجه به آن، درک معنا و مراد گوینده را به نیکی روشن می‌سازد. گفت‌وگوهای ارتباطی کلامی قرآن نیز افزون بر پیام‌های دینی و حقایق معرفتی ژرف، از بُعد سبکی و لحن القای پیام، اهمیتی برجسته دارند که توجه به آن در فرآیند ترجمه امری ضروری می‌نماید. گزینش زبان یکدست و عدم اهتمام به چگونگی القای پیام در گفت‌وگوهای قرآنی، از کشش و تأثیر محتوا پیام کاسته و تصویری واضح از فضای تبادل کلامی به مخاطب ارائه نمی‌دهد و در نتیجه موجب گستاخی ارتباطی شده و از کنش‌پذیری خواننده ترجمه می‌کاهد. این مطلب، حلقه مفقوده بسیاری از ترجمه‌های قرآنی است. عنصر گفت‌وگو به علت کاربرد گسترده آن، به ویژه در قصص قرآنی، عنصری مهم در ترسیم شخصیت، رویدادها و همراهی خواننده با فضای داستانی است؛ چنان‌که هسته اصلی پیکره داستان به شمار آمده و در آفرینش حرکت و زنده جلوه دادن داستان، نقشی به سزا ایفا می‌کند (ر.ک. فضل الله، ۱۹۹۶: ۲۳۲؛ خطیب، ۱۹۷۵: ۱۲۳).

حضور پر رنگ گفت‌وگو که قریب به رُبع آیات قرآن را تشکیل می‌دهد (نیال، ۲۰۰۳: ۲۶)، در جای جای قرآن نمایان است و به دو شکل مونولوگ و هم‌گویی ملاحظه می‌گردد و به تناسب موضوع و مخاطب، دستخوش تغییر می‌شود. با توجه به این گستردگی، بازنمایی موقعیت گوینده و مخاطب، نوع رابطه و فضای تعامل کلامی میان شخصیت‌های مختلف قرآن و بازنمایی سبک متناسب آیات، در فضای ترجمه‌های قرآن، از ضروریات است. تکیه بر عواطف و شواهد عینی به جای استدلال، کوتاهی جملات و تنوع ساختارها، سبک گفتگوها را از دیگر آیات قرآنی متمایز کرده و لزوم توجه به آن را در ترجمه، دو چندان می‌سازد.^۱ مسئله‌ای که گاه برخی از مترجمان با گرایش به زبان فحیم یا تلقی یکسان از سبک

گفت و گوهای قرآنی، به دیریاب کردن پیام این آیات دامن زده و از برقراری تعادل نسبی زبان مبدأ و مقصد بازمانده‌اند.

به اعتقاد نگارندگان این مختصر، تقیّد به ساختار نحوی آیات و نادیده گرفتن الحان و فرهنگ مقصد، آسیبی است که در اغلب این ترجمه‌ها ملاحظه می‌شود. برخی از این ترجمه‌ها از نظر ساختار واژگانی و نحوی دقیقاً با متن مبدأ همخوانی دارند؛ اما همچنان به سهولت دریافته نمی‌شوند. رفع این نارسایی‌ها و ضرورت مخاطب‌ستجی و مقوله تغییر شر فارسی امروز، مسائل مهمی است که برخی از قرآن‌پژوهان کنونی را به بازترجمه قرآن سوق داده و رویکردی متفاوت از ترجمه‌های گذشته اتخاذ کرده‌اند. یکی از این برگردان‌ها که در پاسخ به این ضرورت منتشر گشته، ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی است. این ترجمه پیام-رسان که در زمرة تازه‌ترین ترجمه‌های قرآن به شمار می‌آید با شری امروزین به هدف بهره-مندی مخاطبان نوجوان و جوان، منتشر گشت. در این ترجمه، مترجم با گذر از توجه صرف به متن، در صدد انتقال پیام‌های آیات با تکیه بر تفاسیر المیزان و تسنیم است تا به مدد ظرفیت‌های زبان فارسی، مخاطب را در درک درست و سریع آیات قرآنی یاری رساند.

یکی از ویژگی‌های مهم این ترجمه، توجه به لحن در گفتگوهاست. ترجمه‌ای که به اذعان مترجم، تلاش داشته هم‌شانه با متن اصلی حرکت کرده و تغییر الحان را در ترجمه آیات مبارک قرآن نمایش دهد تا مخاطبان ترجمه، در مقایسه با دیگر ترجمه‌های معنایی، این دگرگونی را به وضوح ملاحظه کنند. عامل لحن بر پایه ویژگی‌هایی چون: چگونگی تلفیق عناصر جمله، فضای ارتباط، و نیز شگردهای ادبی و آوایی متعدد شکل می‌پذیرد و گویای عواطف درونی و رفتاری فرد خواهد بود. احیای این ویژگی در زبان ترجمه، پیرو توجه به ظرفیت‌های زبانی و همه عناصر سبک‌ساز کلام بوده و حاکی از دقت مترجم به ت نوع شخصیت‌هاست و به سخنی دیگر، «پیدا کردن لحن مناسب از وظایف بی‌چون و چرای مترجم است» (امامی، ۱۳۷۲: ۲۷) و مترجمی که به انتقال لحن بی‌اعتنا باشد، در

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

برگردان وی همه شخصیت‌ها به یک زبان صحبت خواهند کرد (خزاعی فر، ۱۳۸۹: ۹۷). نوشیار حاضر در صدد بررسی چگونگی بازتاب الحان در ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی است؛ از این‌رو، با گزینش آیات مبتنی بر گفت‌وگو از داستان‌های قرآن (چون داستان ابراهیم، موسی، یوسف، مریم، خضر وغیره)، تلاش گردید شیوه بازنمایی الحان گفتگوها با تکیه بر مؤلفه‌هایی چون معنای سبکی واژه‌ها و اصطلاحات، احیای فضای گفتگو و ادب گفتار با تکیه بر فرهنگ زبان مقصد بررسی گردد؛ مؤلفه‌هایی که در ایجاد تأثیر و همراهی مخاطب ترجمه مؤثر است. ضمن آن‌که برای ارائه تصویری روشن از عملکرد این مترجم در تحلیل شواهد، به برگردان‌های معاصر دیگر چون ترجمه الهی قمشه‌ای، فولادوند، گرمارودی، مکارم و حداد عادل، اشاره گردید تا با سنجش مقایسه‌ای میان ترجمه‌ها، مخصوصات ترجمه خواندنی ملکی نمایان‌تر گردد.

۱-۲- سوالات پژوهش

در راستای موردپژوهی مقاله حاضر، می‌کوشیم به پرسش‌های زیر پاسخی مناسب ارائه گردد:

۱- مترجم «ترجمه خواندنی قرآن» برای انتقال عنصر «لحن» و ایجاد تعادل سبکی از چه راهبردهایی بهره گرفته است؟

۲- در فرآیند ایجاد تعادل سبکی ترجمه گفت‌وگوهای قرآنی، عملکرد مترجم چگونه ارزیابی می‌شود؟

۳-۱- پیشنهاد پژوهش

بررسی ادبی و بلاغی بسیاری از آیات خطاب را به شکلی پراکنده در دل تفاسیر گوناگون قرآنی و آثاری چون البرهان زرکشی (۷۹۴ ق)، الاتمان سیوطی (۹۱۱ ق)، و مانند آن، می-توان پی‌گرفت. اما از جمله نخستین پژوهش‌هایی که به شکل مستقل، به بررسی و طبقه-بندی گفتگوهای قرآنی اهتمام داشته، کتاب «الحوار فی القرآن: قواعده، أسلالیبه ومعطیاته»

اثر محمدحسین فضل الله (۱۹۹۶) است که در شش فصل به اصول آیات گفتگو محور و ویژگی آن‌ها پرداخته است. فوز سهیل نزال، پژوهشگر اردنی (۲۰۰۳) نیز در جستاری مفصل با عنوان «*الغة الحوار في القرآن الكريم: دراسة وظيفية أسلوبية*»، در سه فصل، با اشاره به اقسام گفتگو، عناصر سبکی و زیباشتاختی این دست از آیات را تحلیل کرده است. جیوسی (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «*أسلوب الحوار في القرآن الكريم خصائصه الإعجازية وأسراره النفسية*» به شمّه‌هایی از لطفت برخی از تبدلات کلامی قرآن می‌پردازد. زینیوند و وحید دستجردی (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان «درآمدی توصیفی- تحلیلی بر شیوه‌های گفتگو در قرآن کریم» به بررسی رویکرد اخلاقی و زبانی آیات مکالمه پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم در جریان گفتگو، با تأکید بر شاخص‌های اخلاقی در پی کمال معنوی انسان بوده و برای نیل به چنین مقصدی از گونه‌های ترکیبی زبان، چون زبان استدلال، زبان عاطفه، پرسش‌گری و مانند آن، بهره جسته است (زینیوند و وحید دستجردی، ۱۳۹۰: ۴۵). هر یک از پژوهش‌های یادشده و نمونه‌های مشابه دیگر، از بُعد محتوایی یا بلاغی، این بخش از آیات را بررسی کرده‌اند؛ اما در حوزه بررسی ترجمه این بخش از آیات، پژوهش‌های انگشت‌شماری ملاحظه می‌شود که مطالعات ذیل از آن جمله است:

شاهسوندی و داوودی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «معنای تلویحی گفتاری و نمود آن در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن کریم»، خطاب‌های قرآن را در دو داستان موسی (ع) و یوسف (ع)، بر مبنای الگوی گراییس^۲، مورد بررسی قرار داده‌اند. خانه‌زاد و شاهسوندی (۱۳۹۰) در جستاری با عنوان «تعییر مخاطب در قرآن و رویکرد ترجمه‌های فارسی و انگلیسی» ضمن تبیین جایگاه این پدیده در متن «کلام وحی»، معايب و خطاهای پاره‌ای از ترجمه‌های فارسی و انگلیسی را از این منظر بررسی و راهکارهای لازم را برای رفع آن‌ها ارائه نماید. نتایج حاصل از این بررسی، حاکی از عدم شناخت بايسته مترجمان از مقوله

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آلبویه لنگرودی

تغییر مخاطب و نیز زبان شفاهی قرآن در سطح کلان است. میر حاجی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله «کاربردشناسی اصل تعادل ترجمه‌ای واژگان در فرایند ترجمه قرآن»، تعادل واژگانی را منوط به برگردان سطوح مختلف معنایی واژه چون ارجاعی، تجربی، تقابلی، ضمنی، همایشی، سبکی و غیره، می‌دانند که به طور عموم مترجمان قرآن به معنای معجمی و اولیه واژه پرداخته و از دیگر طبقات معنایی الفاظ غافل مانده‌اند. قاضی‌زاده و خزاعی‌فرید (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با عنوان «اهمیت یکدستی سبک در ترجمه با تکیه با نگاهی بر ترجمه غلامعلی حداد عادل از ترجمه قرآن»، معتقدند سبکی را می‌توان یکدست نامید که در آن انتخاب‌های مترجم با توجه به قواعد و هنجارهای نوشته و نانوشته زبان مقصد از نظر فردی که اهل زبان است، قابل قبول به نظر برسد. یل‌شرزه و منصفی (۱۴۰۰) در جستاری با عنوان «ترجمه مخاطب محور قرآن خواندنی علی ملکی: رویکردی نو به ترجمه قرآن»، ضمن معرفی ترجمه ملکی، معتقدند غفلت از تعادل کارکردی و نادیده گرفتن مخاطبان ترجمه قرآن که دارای تجربیات زیسته متفاوتی با مخاطبان عرب‌زبان هستند از عوامل سخت‌فهمی ترجمه‌های قرآن است. تعادل لغوی و صوری در عمدۀ ترجمه‌های فارسی قرآن، سبب پیدایش ترجمه‌های نامفهوم از قرآن گشته است (یل‌شرزه و منصفی، ۱۴۰۰: ۱۹۵).

با توجه به این پیشینه، ملاحظه می‌شود که بررسی و خوانش تطبیقی گفتگوهای قرآنی ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی، به شکل مستقل در هیچ پژوهشی موردنظر نبوده و نوشtar حاضر نخستین پژوهشی است که ضمن بررسی کیفیت برگردان این بخش از آیات، تلاش دارد به راهبردهای مترجم در انتقال عنصر «لحن» و ایجاد تعادل سبکی اشاره کند.

۲- مبانی نظری پژوهش

۱- ماهیت مفهومی تعادل در مطالعات ترجمه

تعادل،^۲ مفهومی اساسی و البته مناقشه‌آمیز در نظریات ترجمه است. برخی نظریه‌پردازان چون کتفورد ۱۹۶۵، نایدا و تیر ۱۹۶۹، توری ۱۹۸۰، پیم ۱۹۹۵، و کولر ۱۹۹۵، ترجمه را بر حسب روابط تعادل، تعریف می‌کنند، حال آنکه برخی دیگر، مفهوم نظری تعادل را رد کرده و مدعی اند که این مسأله یا ربطی به مطالعات ترجمه ندارد و یا به آن آسیب می‌زند (مانند اسنل هورنی ۱۹۸۸ و گنتزلر ۱۹۹۳). طرفداران نظریه‌های تعادل‌بنیاد^۳ ترجمه، معمولاً تعادل را رابطه‌ای میان متن مبدأ و متن مقصدی تعریف می‌کنند که اجازه می‌دهد متن مقصد در وهله اول ترجمه متن مبدأ به حساب آید. گفته شده است که روابط تعادل بین بخش‌های متن مبدأ و متن مقصد بقرار می‌شود. نظریه‌پردازانی که معتقدند ترجمه بر پایه نوعی تعادل قرار دارد، عمدتاً به ایجاد نوع‌شناسی^۴ تعادل توجه دارند و بر مرتبه لغت، جمله یا سطح متن، تأکید دارند که گفته می‌شود تعادل در آن مرتبه به دست می‌آید. یا بر نوعی معنای وجه صریح،^۵ وجه ضمنی^۶ و منظورشناختی^۷ تأکید می‌کنند (بیکر و سالدنیا، ۱۳۹۶: ۳۹۴-۳۹۵).

به طور کلی، با واکاوی تئوری‌های ترجمه، می‌توان دو برداشت عام از مفهوم تعادل، متصور بود؛ یکی مفهوم سنتی و دیگری تلقی جدید از آن. در مفهوم سنتی، تعادل، وفاداری به متن اصلی و برقراری رابطه‌ای دقیق و ریاضی‌وار میان ترجمه و متن را می‌رساند؛ در این رویکرد که رویکردی کمی‌گرا دارد تعادل، منوط به وجود لغات و اجزای متناظر در دو زبان است؛ اما در معنای جدید، تعادل امری نسبی است که سوای توجه به روساختهای متن، به عوامل دیگر از جمله نقش خواننده، هدف ترجمه در فرهنگ مقصد و قابلیت‌ها و محدودیت‌های فرهنگ مقصد نیز توجه می‌کند (حری، ۱۳۸۵: ۱۲). چنان‌که از این دو دیدگاه در باب تعادل به نظر می‌رسد تعادل در بخش دومی که اشاره گردید در سطحی بالا قرار می‌گیرد و حدود و ثغور آن در مرتبه بافت گسترشده‌تری، نظری مخاطب و فرهنگ در هر دو زبان مبدأ و مقصد تعریف می‌گردد. مثلاً لازم است توجه شود که هدف ارتباطی متن

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آلبویه لنگرودی

مبدأً چیست و متن مقصد به چه منظوری به کار خواهد رفت؟ برای رسیدن به این سطح از تعادل، شاید لازم شود از ترجمه کلمه‌ای چشپوشی شود یا با عبارت توضیحی، متن با صراحة بیشتری همراه گردد. به این ترتیب، «بافت‌های کاربردی با هم تطبیق می‌یابند همانطور که تأثیر ترجمه بر خواننده متن مقصد به تجربه خواننده متن مبدأ نزدیک خواهد شد. رسیدن به تأثیری مشابه و برآوردن توقعات خواننده به معنای رسیدن به تعادل کاربردشناختی یا تعادل پویاست» (هتیم و ماندی، ۱۳۹۳: ۹۰).

با این توضیح، به نظر می‌رسد می‌توان تعادل را در یک محوری افقی تصور کرد که حرکت از ویژگی‌های زبانی به سمت عوامل برون زبانی، و در نظر گرفتن مقوله موقعیت و میزان تأثیر آن بر مخاطبان مقصد، آن را به سوی تعادل سبکی یا پویا نزدیک‌تر می‌سازد.



شکل ۱: اقسام تعادل

نایدا از جمله افرادی بود که به طور عملی در ترجمه کتاب مقدس، به دنبال ایجاد تأثیر مذهبی برابر با متن اصلی بود. به اعتقاد وی همارز بودن از حوزه زبان فراتر می‌رود و تعادل را بین ویژگی‌های فرازبانی در ترجمه، یعنی موقعیت و بافتار متن مبدأ و متن مقصد و نیز تأثیر آن بر مخاطبان دو جامعه زبانی متفاوت برقرار می‌کند (حقانی، ۱۳۹۸: ۳۷)؛ از همین‌روست که وی در ترجمه کتاب مقدس برای اسکیموها، به عنوان نمونه در برابر عبارت «بَرَّهُ خَدَاوَنْد»، عبارت «سگ آبی خداوند» قرار می‌دهد، چرا که در این فرهنگ «بَرَّه» وجود ندارد و ترجمه لفظ به لفظ، کنش و پویایی در مخاطب ایجاد نخواهد کرد (خراعی‌فر، ۱۳۸۴: ۷۲).

۲-۲- مفهوم تعادل سبکی و تعادل پویا در ترجمه

چنان‌که از بررسی مفهوم تعادل در میان نظریه‌پردازان این حوزه روشن می‌گردد، مقصود از

تعادل، «تشابه» نیست؛ زیرا اساساً امکان برقراری این مسأله در میان هیچ دو زبانی وجود ندارد؛ بلکه مقصود قالب‌هایی است که در خواننده ترجمه همان تأثیری را بر جای می‌گذارد که متن اصلی مؤلف بر جای می‌گذارد؛ به سخن دیگر اگر مؤلف می‌خواست آن را به زبان مقصد بیان کند، این چنین بیان می‌کرد. از این ماهیت تعادل با عنوانین متعددی چون تعادل پویا، تعادل کارکردن یا تعادل سبکی یاد می‌گردد.

در توصیف پدیده‌های ترجمه‌ای می‌توان پدیده سبک را اینگونه تعریف کرد: «نوعی کاربرد زبان که نقش‌های ارتباطی یا بلاغی خاصی دارد و در جنبه‌هایی چون آرایش نحوی، انتخاب‌های واژگانی و ویژگی‌های متى تأثیر می‌گذارد» (پالامبو، ۱۳۹۲: ۱۴۱). به طور کلی، این ویژگی‌های «سبکی» در متن قابل ردیابی و سنجشند؛ اما، این سخن به این معنی نیست که انتقال سبک نویسنده به راحتی امکان‌پذیر باشد؛ مگر اینکه با شرط «نسبیت» برخی از این ویژگی‌ها را در زبانی دیگر «بازآفرینی» کرد. بازآفرینی مستلزم توانایی زبانی و خلاقیت مترجم است. در نتیجه دوگانگی میان سبک نویسنده و سبک مترجم امری واقعی و اجتناب‌ناپذیر می‌گردد (خزاعی‌فر، ۲۰۱۸: ۴). از میان شرایط حاکم بر تعادل واژگانی چون معنای ارجاعی، تجربی، همایشی، تقابلی، ضمنی و مانند آن، «معنای سبکی» شرط عمده‌ای در تعادل واژگانی دارد (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۸۲). در مطالعات ترجمه از این مبحث با عنوان «تعادل سبکی» (Stylistic Equivalence) یاد می‌شود. یعنی آن‌که «تعادل نقشی میان متن اصلی و ترجمه به هدف دست‌یابی به نوعی همانندی بیانی و حفظ نامتغیر معنایی یکسان است. پوپوویچ این نوع تعادل را «بسندگی»، تناظر بیانی و وفاداری به متن اصلی نامیده است. بنابراین تعادل سبکی مستلزم حفظ کردن خصیصه بیانی [عناصر] متن مبدأ و در عین حال حفظ کردن محتوای معنایی اصلی آن تا سر حد امکان است. با این حال، مترجم حتی در موقعیت‌هایی که نمی‌تواند تناظر معنایی مستقیم ایجاد کند، همچنان باید عنصری را از زبان مقصد برگزیند که از لحاظ سبکی با عنصر متن مبدأ معادل باشد

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آلبویه لنگرودی (شاتلورت و کاوی، ۱۳۸۵: ۲۵۴).

البته نباید از نظر دور داشت که ایجاد ترجمه‌ای برابر متن مقدس قرآن به دلیل اعجاز آن امکان‌پذیر نیست و تلاش مترجم برای انتقال تأثیر متن در حد توان و امکان است و نه تأثیر برابر؛ افزون بر «تأثیر»، مؤلفه‌های دیگری نیز فراروی مترجم وجود دارد که مترجم بر حسب نوع و شیوه ترجمه، آن‌ها را مدد نظر دارد و همین ملاحظه‌ها ممکن است در افزایش تأثیر ترجمه یا کاهش آن دخیل باشد؛ برای مثال پاییندی به روش ترجمه تحت‌الفظی به شدت در کاهش تأثیر برابر دخالت دارد و به عکس، در روش ترجمه آزاد می‌توان به بالاترین حد تأثیرگذاری ممکن در ترجمه قرآن دست یافت (جواهری، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

۳-۲-تعريف لحن^۰ و نقش آن در گفتگوهای قرآنی

مفهوم از «لحن»، آهنگ بیان و چگونگی ادای صداست که در کنار دیگر عناصر چون ایما و اشاره، از اصول ارتباطات غیر کلامی^۱ است. ارتباطات غیر کلامی، شامل تمامی پیام‌هایی است که بدون استفاده از واژه و کدهای کلامی از طرف فرستنده به گیرنده پیام منتقل می‌گردد. طرز نشستن، حرکات چهره، لحن و آهنگ صدا، حرکات چشم، و ... همگی نمونه‌هایی از ارتباطات غیر کلامی هستند که بخش حیاتی فرایند ارتباط به شمار می‌آیند (صلیبی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). لحن، احساس گوینده را منتقل می‌سازد. میخانیل باختین، نظریه-پرداز روسی، لحن را آهنگ گفتار حاصل دو نوع ارتباط از سوی گوینده تعریف می‌کند: یکی در ارتباط با شنونده به منزله متحد و شاهد و دیگری در ارتباط با هدف گفتار به عنوان شریک سوم شخص و زنده‌ای که آهنگ گفتار، او را تحقیر یا نوازش می‌کند، بدنام می‌کند، یا به او اعتبار می‌بخشد (داد، ۱۳۸۷: ۴۱۳).

عناصری که لحن را می‌سازند شامل طیف وسیعی از اجزاء زبانی و شگردهای ادبی تا اجزاء زبرزنگیری زبان می‌شوند. در قرآن کریم چگونگی آرایش واژه‌ها و تعدد ساختارها،

شیوه‌های گفتاری هر شخصیت را متمایز از دیگری قرار داده و تصویری شفاف از جایگاه «گوینده» و مقام «شنونده پیام» ترسیم می‌کند. بنابراین در خوانش تبادلهای کلامی قرآن، افزون بر گوینده و متن گفتار، عناصر دیگر چون انگیزه، مخاطب و فضای گفتگو را باید در نظر داشت تا کیفیت القای سخن تبیین گردد.

درست است که در اصل می‌بایست «محتوای پیام» بر «چگونگی ارسال» و «سبک پیام» مقدم باشد؛ اما انتقال احساسات و عواطف در تبادلات کلامی یا هر چیزی که در قالب مفهوم ضمنی و معنای نامرئی جای می‌گیرد، مبتنی بر توجه دقیق به نظام ارتباطی میان متکلم و مخاطب هست. حال این مفاهیم ضمنی می‌تواند خود را در قالب تصریح، یا معادلهای سبکی و مانند آن، در زبان دوم نمایان کنند. امروزه در رویکرد کاربردشناختی این نظام ارتباطی، مطالعه گشته و تلاش می‌شود به سؤالاتی نظیر چگونه شنوندگان برای فهم منظور گوینده به استنباطهایی از کلام وی دست می‌زنند و چگونه بخش بزرگی از ناگفته‌ها (معنای نامرئی) جزء پیام محسوب می‌شوند، پاسخ داده شود (یول، ۱۳۸۷: ۱۱).

قابل توجه است که کیفیت تبادل پیام و ریتم مخاطبات قرآنی، گاه از نگاه مفسران قرآن نیز نهان نمانده است؛ برای نمونه صاحب المیزان در تفسیر این آیه شریفه: «فَالْأُولَا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَةً إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۷۸) به کیفیت سخن برادران یوسف و نوع گزینش واژگان آن‌ها اشاره داشته و می‌نویسد: «الفاظ آیه طوری است که ترقیق و استرحام و التماس را می‌رساند، و طوری ادا شده که حس فتوت و احسان عزیز را برانگیزد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۱). در این بخش از سوره یوسف، مناظره و جدل به شکل گفت و شنود ادامه داشته و هر یک از دو طرف، برای اثبات دعوى خویش، برهانی می‌آورند تا اینکه برادران ناگزیر و از روی استیصال، کهولت پدر و دلنگرانی او را یادآور می‌شوند و با لحنی رقت‌آور خواستار برادر می‌گردند. بزرگداشت مخاطب با کاربرد «یا ایها العزیز» و تأکید بر جایگاه وی و تصویر فرتونی پدر در ایجاد این لحن مؤثر بوده است. یا

بررسی ترجمه‌گفتوگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آلبویه لنگرودی

تفسیر پرتویی از قرآن در تفسیر این آیه از سوره بقره: **﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِدُنَا هُنُوَّاً قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾** (بقره/٦٧)، به لحن زننده مردم بنی اسرائیل و لحن ملايم و تعبیر پر مغز موسی (ع) در برابر آن‌ها اشاره می‌کند و ظرائف گفتار هر یک از صاحبان سخن را تحلیل می‌کند (ر.ک. طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۹۰).

۳- نگاهی به ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی

ترجمه خواندنی قرآن، در سبک و ساختاری نو در میان گونه‌های متعدد برگردان کلام وحی، در رمضان سال ۱۳۹۶ به زیور طبع آراسته گشت. این ترجمه‌ی پیام‌سان که در زمرة تازه‌ترین ترجمه‌های قرآن به شمار می‌آید با نثری شیوا و امروزین به هدف بهره‌مندی مخاطبان نوجوان و جوان، منتشر گشت. در این ترجمه، مترجم با گذر از توجه صرف به متن، در صدد انتقال پیام‌های آیات با تکیه بر تفاسیر المیزان و تسنیم است تا به مدد ظرفیت‌های زبان فارسی، مخاطب را در درک درست و سریع آیات قرآنی یاری رساند. مترجم دعوت به دوباره‌خوانی و پیوسته‌خوانی کلام وحی را علت گزینش عنوان برگردان خود (ترجمه خواندنی قرآن) بر می‌شمارد و در معروفی این ترجمه می‌نویسد: «جنس این ترجمه تفسیری است و پیام‌سان. همه دغدغه ما در لحظه به لحظه ترجمه و ویرایش این است که اینجا پیام قرآن چیست؟» (ملکی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). وی عدم توجه به مخاطب و انتخاب لحن یکسان در ترجمه‌ها را خلاً اساسی برگردان‌های موجود قرآن برشموده و می‌نویسد:

خداؤند متعال در قرآن گاهی با لحنی علمی - فلسفی سخن می‌گوید و گاهی شیوه روایت‌گرایانه و داستانی در پیش می‌گیرد، گاهی با نوایی پُر مهر بنداش را می‌نوازد و گاهی با عتابی رعب‌آور به دشمنانش تشر می‌زند. گاهی با نجواهایی پُر کشش پندهایی را گوشزد می‌کند و گاهی با کنایه‌هایی پُر نیش غافلان را از خواب بیدار می‌سازد... با این همه تنوع لحن، آیا مجازیم که تمام قرآن را یک‌دست و به صورت ادبی و فاخر ترجمه کنیم؟ یا این‌که یکنواخت به سبک خشک و رسمی؟ البته که خیر... (همان، ۱۳۹۷: مقدمه).

۴- بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا

سازگاری و انطباق متن مبدأ و مقصد در ترجمه مستلزم تعیین راهکارهایی است که مترجم پیش از فرآیند ترجمه برای خود در نظر می‌گیرد. ایجاد تعادل و انتقال بار ارتباطی گفت-وگوهای قرآنی، در گرو تعديل و دگردیسی صورت پیام است تا تنوع صدای شخصیت‌ها هویدا گردد. نکته مهم قابل اشاره در این بخش این است که در ترجمه تبادلات کلامی قرآن، می‌بایست به بافت کلی متن اهتمام ویژه داشت و «کلیت متن» را محور ترجمه قرار داد تا فضای حاکم بر آن‌ها به نیکی درک گردد. در ذیل، چهار راهکار در ترجمه این بخش از آیات در نظر گرفته شده و بر اساس آن شماری از ترجمه آیات از دو ترجمه بررسی و تحلیل می‌گردد تا نمای روشنی از عملکرد مترجمان ارائه گردد.

۱- احیای فضای گفتگو با تکیه بر فرهنگ مقصد

گفتگوی قرآنی، صرفاً به مبادله خبر محدود نمی‌شود، بلکه در بافت ادبی موجود در این تبادلات کلامی، انگیزه‌های معرفتی و اخلاقی خاصی نهان است که در راستای اهداف هدایتی قرآن قرار دارد. شاخصه بر جسته این گفتگوها تبلور چندصایی است که احیای آن در فضای ترجمه، نیازمند توجه به چگونگی خطاب، تفاوت‌های زبانی در برگردان ضمایر و مانند آن است.

در خوانش تبادلهای کلامی قرآن، افزون بر گوینده و متن گفتار، عناصر دیگر چون ساختار ندا، مخاطب و فضای مخاطبه را باید در نظر داشت تا فضای حاکم بر القای سخن به زبان دوم منتقل گردد. ندا یا فراخواند شخصیت‌ها، یکی از اقسام پر بسامد در گفتگوهای قرآنی است (۲۱۸ مورد) (ر.ک. نزال، ۲۰۳: ۲۱۸). توجه به این وجوده در تعادل ترجمه‌ای مهم به نظر می‌آید؛ چه آنکه «عبارات خطاب، مکانیسم زبانی مهمی هستند که گویشوران از

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

طريق آن نگارش و برداشت خود را در مورد نوع رابطه خود با مخاطب منعکس می‌کنند»
(احمدخانی، ۱۳۹۳: ۲).

از جمله راهبردهای مترجم ترجمه خواندنی قرآن، در بازنمایی فضای گفتگو، اهتمام به گزینش ادوات ندای متناسب با بافت معنایی آیات است تا فضای گفتگوها در ترجمه‌ها نمایان‌تر جلوه‌یابد. این در حالی است که در برگردان‌های دیگر قرآن، دقیقی در این گزینش‌ها ملاحظه نمی‌شود. جدول زیر (شماره ۱) به نمونه‌هایی از این گزینش‌ها اشاره دارد:

جدول ۱: کیفیت برگردان ندا

ردیف	عبارت قرآنی	نام سوره و آیه	ترجمه ملکی
۱	قالُوا يَا مَرْيَمٍ لَقَدْ جِئْتِ شَيْنَيَا فَرِيَا	مریم: ۲۷	آهای مریم! دست به کار عجیب و غریبی زده‌ای!
۲	يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأً	مریم: ۲۸	آهای خانم محترم! نه پدرت عمران مرد لا‌بالی بوده، سوء
۳	يَا أَنْبِيَ آدَمَ لَا يَفْتَنُكُمُ الشَّيْطَانُ	اعراف: ۲۷	آی آدمها مبادا شیطان شما را گول بزند!
۴	أَتَتْهَا الْحَمْرَ إِنَّكُمْ لَشَرِقُونَ	یوسف: ۷۰	آی کاروان، شما ذردید!
۵	قُلْ يَا عَبْدَ اللَّهِ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَنْقَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ	زمر: ۵۳	آی بندگان من که با بی‌دینی و آسودگی به گناهان به خودتان جفا کرده‌اید.

در زبان فارسی ندای فرد با نشانه‌هایی چون «آهای» و «آی» اغلب بار معنایی بی‌ادبانه به همراه داشته و برای هشدار به کار می‌رود (انوری، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۸۶) که گزینش آن همسو با سیاق عبارت‌های قرآنی و برای هشدار بوده است. برای توضیح بیشتر این مطلب، فضای تعامل کلامی و برخورد تند قوم مریم (ع) با وی و همچنین رفتار نادرست کفار در برخورد با پیامبر (ص) را در آیات زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

نمونه اول: **(فَأَتَثِ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمٍ لَقَدْ جِئْتِ شَيْنَيَا فَأَخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأً سُوءٌ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغْيًا)** (مریم/ ۲۸ - ۲۷) چنانکه ملاحظه می‌شود در این بخش از آیات، داستان بازگشت مریم با نوزاد به سوی اقوام خود است. هنگامی که خویشان، نوزاد را در آغوش مریم دیدند، دهانشان از تعجب باز ماند، آن‌ها که سابقه پاکدامنی مریم را داشتند و

آوازه تقوا و کرامت او را شنیده بودند سخت نگران شدند، تا آنجا که بعضی به شک و تردید افتادند، و بعضی دیگر هم که در قضایت و داوری، عجول بودند زبان به سرزنش او گشودند، و گفتد: حیف از آن سابقه درخشنان، با این آلودگی! و صد حیف از آن دودمان پاکی که این گونه بدنام شد. گفتد: «ای مریم! تو مسلمان کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۵۰). ضمیر در «به» و در «تحمله» به فرزندش، «عیسی» (ع) بر می‌گردد. لحن گفتار، طعنه‌آمیز و با نوعی تقبیح و حمله لفظی است؛ چنان که کلمه «فریّی» نیز، معنای عمل نوظهور، ناشایست و منکر را افاده می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۸). حال سبک این تبادل کلامی را در دو ترجمه بررسی می‌کنیم:

ترجمه ملکی: «در حالی که کودکش را بغل گرفته بود، او را پیش قومش آورد، آن‌ها بهت زده گفتد: آهای مریم! دست به کار عجیب و غریبی زده‌ای! آهای خانم محترم! نه پدرت عمران مرد لاابالی بوده و نه حنا زنی بدکاره».

ترجمه گرمارودی: «سپس در حالی که او را در آغوش داشت نزد قوم خویش آوردش گفتد: ای مریم! بی گمان چیز ناپسند شگفتی پیش آورده‌ای؛ ای خواهر هارون! نه پدرت مردی بد و نه مادرت بدکاره بود».

تکرار ندا در این بخش از آیات شریفه، مبالغه در نکوهش مجدد هست. در ترجمه نخست، خطاب مریم (س) با ادات «آهای»، شدت ناراحتی و توبیخ را بهتر نشان می‌دهد؛ چنان‌که تعديل «اخت هارون» به «خانم محترم» نمایان‌گر لحن سرزنش‌آمیز نزدیکان وی است. این تعديل واژگانی، راهبرد مترجم در جهت ایجاد تعادل سبکی بوده است؛ چرا که گاه «اخ/اخت» در معنای «مشابه» به کار می‌رود. مفسران در تفسیر «هارون» نیز دیدگاه‌های متعددی دارند؛ اما «آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد این است که هارون مرد پاک و صالحی بود، آن چنان که در میان بنی اسرائیل ضربالمثل شده بود، هر کس را می‌خواستند به پاکی معرفی کنند می‌گفتد: او برادر یا خواهر هارون است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱،

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگروdi ج. ۱۳: ۵۱).

نمونه دوم: **﴿وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نَزَّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ﴾** (حجر/ ۶)؛ این جمله سخنی است که کفار در ریشخند و استهزای رسول خدا (ص) و کتاب نازل بر او گفته‌اند. فراخواند موصول و بدون ذکر نام و قیود تأکیدی جمله، ترسیم‌گر لحن تمسخرآمیز و بی‌ادبانه گفتار گویندگان است (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۴: ۲۱۲۷). به همین جهت نام ایشان را نیاورده، و به عنوان کسی که ذکر بر او نازل شده خطابش کردند، نیز اسم خدای نازل کننده را نبرند تا این معنا را برسانند که ما نمی‌دانیم خدا کجا است و از کجا این کتاب را برای تو فرستاده و وثوق و اعتقادی به گفته تو که ادعا می‌کنی خدا این کتاب را نازل کرده نداریم، لذا به صیغه مجھول تعبیر کرده و گفتند: «ای کسی که ذکر بر او نازل شده». علاوه بر این، از «قرآن» هم به «ذکر» تعبیر کردن که همه این‌ها از باب استهزا و از همه بدتر جمله «إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» است که تهمت و تکذیب صریح است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۱۴۱).

ترجمه ملکی: «بت پرسته‌ها با تمسخر به پیامبر می‌گفتند: آهای تو که مثلاً قرآن برایت فرستاده شده، واقعاً که دیوانه‌ای!».

ترجمه گرمارودی: «او گفتند: ای آنکه بر تو این قرآن را فرو فرستاده‌اند، بی‌گمان تو دیوانه‌ای!».

نکته‌ای که از ترجمه‌ی بالا به نظر می‌رسد انتقال لحن سخره‌آمیز بتپرستان در ترجمه نخست است که با گزینش سبک گفتارمحور و ترکیب عناصری چون «آهای»، «مثالاً»، «واقعاً» و نیز اشاره به نوع کیفیت سخن در آغاز، است. طرز بیان کفار به خوبی تداعی گشته و نمایان‌گر ویژگی خلقی آن‌هاست، این در حالی است که در ترجمه دوم سخن به شکل عادی و عاری از هرگونه نشانه‌ای در فضاسازی نوع بیان کفار، برگردان گشته است. بنابراین بازآفرینی لحن گفتارها در انتقال لفظ به لفظ کلمات میسر نیست؛ بلکه حسی است که در سطحی فراتر، و از نحوه ترکیب جملات، در خواننده به وجود می‌آید (خzاعی فر،

۴-۲- رعایت الگوهای ادب در ترجمه شمار و ضمایر

مقصود از رعایت الگوهای ادب در ترجمه، رویکرد مترجم به گزینش اصطلاحات خطاب و ضمائری است که تمایز میان «گوینده» و «مخاطب»، شاخص «موقعیت اجتماعی» و نوع رابطه را در گفتارهای قرآنی نشان می‌دهد. به اعتقاد افول (Auffl) «اصطلاحات خطاب بخش مهم رفتار کلامی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند رفتار، هنجارها و عملکرد جامعه را مشخص نماید» (احمدخانی، ۱۳۹۳: ۳-۲). توجه به این بخش در ترجمه، تصویر واقعی از جایگاه گوینده و مقام شنونده در آیات گفت و گو محور را برای خواننده قرآن بازنمایی می‌کند. مترجم ترجمه خواندنی قرآن این الگو را به اقتضای موقعیت و شأن افراد در ترجمه مخاطبات قرآن، مراعات کرده و تبادلهای کلامی میان موسی و خضر، یوسف و برادران، ابراهیم و آذر و مانند آن، گویای این مطلب است. در اینجا برای نمونه ترجمه این آیات از سوره قصص و کیفیت گفتگوی میان دختران شعیب و موسی را از نظر می‌گذرانیم:

نمونه اول: **(فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْسِيْيَ عَلَى اسْتِيْجَيَّةٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْرِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجُوتْ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتْ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجِرْتَ الْقُوَيْ أَلَمْ يُنَبِّهِ أَنَّ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيْ هَاتِئِينَ)** (قصص / ۲۵-۲۸)

ترجمه ملکی: «در همین حال، یکی از آن دختران، درحالی که با حجب و حیا راه می‌رفت، پیش موسی آمد و گفت: «پدرم شما را دعوت کرده تا زحمتتان را برای آب دادن به گلله ما جبران کند» وقتی موسی پیش پدرشان آمد و سرگذشت خود را برایش تعریف کرد، پیرمرد گفت: «دیگر نرس؛ چون از شر ستمکارها نجات پیدا کرده‌ای»؛ یکی از آن دختران به پدرش پیشنهاد داد: «پدرجان، استخدامش کن؛ زیرا بهترین فرد برای این کار کسی است که مانند این آقا، قوی و امین باشد»؛ شعیب این طور با موسی مطرح کرد: «می خواهم یکی

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آلبویه لنگرودی

از دخترانم را همسر تو کنم».

ترجمه گرمارودی: «آنگاه یکی از آن دو که با شرم گام برمی داشت نزد او آمد، گفت:
پدرم تو را فرامی خواند تا مزد آبی را که برای ما (به گوسفندان) دادی به تو پردازد و چون
(موسی) نزد او آمد و داستان (خود) را برای او بازگفت، (شعیب) گفت: مهراس که از گروه
ستمکاران رهایی یافته‌ی. یکی از آن دو(دختر) گفت: ای پدر! او را به مزد گیر که بی‌گمان
بهترین کسی که (می‌توانی) به مزد بگیری، این توانمند درستکار است. (شعیب) گفت: می-
خواهم یکی از این دو دخترم را همسر تو کنم».

فضای این داستان، غریب‌بودن موسی، لحن رسمی، همراه با شرم گفتار دختران شعیب
در برابر جوان ناآشنا را نشان می‌دهد که پس از هم‌صحبتی با پدر و تعریف ماجرا، پرده
نمایش و در نتیجه زبان گفتگو تغییر می‌یابد. بازنمایی رفتار زبانی هر شخصیت و سبک
گفتار برای ترسیم فضای داستان تا حد بسیاری در ترجمه ضروری است. بی‌گمان کاربرد
ضمیر «شما» و «فعل جمع»، در ترجمه نخست، در انتقال این فضای رسمی و احترام‌آمیز
گفتگوی موسی و دختران نقش‌آفرین است؛ چرا که گفتار در دیدار نخست و اولیه (جوان
غریب‌با دختران)، رعایت نهایت شرم و ادب را می‌طلبد؛ چنان که تغییر ضمایر و
اصطلاحات خطاب در گفتگو با پدر (شعیب) دگرگونی سیر داستان و تغییر ماجرا را پس از
آشنایی را حکایت می‌کند. انتخاب «پدر جان» به جای «ای پدر»، در ترجمه نخست، در
تعمیق پیام مخاطبه اثر بخش بوده و روایت‌گر لحن عاطفی آن‌هاست.

۴-۳- معادل‌گزینی واژه‌ها و اصطلاحات

یکی دیگر از راهبردهای تعادل و برابری ترجمه‌ای در انتقال تبادل کلامی میان شخصیت-
های متعدد قرآنی، توجه به معانی صمنی یا عاطفی واژه‌ها و تعبیر در ترجمه است. مقصود
آن که مترجم در برابر معادل‌ها و ساختارهای متعدد، گونه‌ای را گزینش کند که گویای سبک
زبان مبدأ باشد (صفوی، ۱۳۷۱: ۷۴). از نگاه نایدا یک کلمه بسته به بافت اطرافش معنا

می‌یابد و واکنش‌های مختلفی بسته به فرهنگ ایجاد می‌کند؛ برای مثال در عبارت «Don't worry about that, son» کلمه «son» می‌تواند اصطلاحی برای بیان محبت یا در برخی بافت‌ها تداعی‌بخشن ارباب منشی باشد (مانندی، ۱۳۹۷: ۸۰).

معنای سبکی یک متن از طریق شناسایی سطوح کاربردی موجود در زبان مربوط شناخته می‌شود. اگر دامنه مفهوم موقعیت زبانی را کمی توسعه بدھیم، ملاحظه می‌کنیم که زبان می‌تواند احساسات شخصی گوینده از قبیل طرز برخورد با مخاطب یا موضوع سخن را نیز منعکس بکند. این نوع معنا به معنای احساسی و سبکی معروف است (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۴).

در جدول زیر (شماره ۲) با بررسی خطاب‌های قرآنی نمونه‌هایی از معادل‌گزینی دو ترجمه ملکی و گرمارودی را آورده و نوع این گزینش و ازگانی را با یکدیگر مقایسه کردیم:

جدول ۲: مقایسه معادل‌های سبکی در ترجمه خطاب‌های قرآنی ملکی و گرمارودی

نوع لحن	گرمارودی	عبارت قرآنی	سوره و آیه	ملکی	نوع لحن	شخصیت‌ها
محبت‌آمیز	پسرکم	محبت‌آمیز	گل پسرم	صفات: ۱۰۲	یا بَنِيَّةٍ	نداشی ابراهیم (ع) به فرزند
"	پسرکم	دلسوزانه	پسر جان	هود: ۴۲	یا بَنِيَّةٍ	خطاب نوح (ع) به فرزند
عادی	ای پدر	سرزنشانه	عمو جان	مریم: ۴۵ - ۴۲	یا أَبْتِ	گفتگوی ابراهیم با آذر
عادی	ای پدر	احترام‌آمیز	پدر جان	یوسف: ۱۰۰: ۴	یا أَبْتِ	خطاب یوسف (ع) به پدر
عادی	ای پسر مادرم	ملتمنسانه	برادر جان	طه: ۹۴	یا بَنَ أُمَّ	نداشی هارون (ع) به موسی
عادی	ای خواهر هارون	شگفتانه	آهای خانم محترم	مریم: ۲۸	یا أَخْتَ هارون	خطاب قوم به مریم (ع)
عادی	ای قوم من!	پندآمیز	مردم!	بقره: ۵۴	یا قَوْمٍ	گفتگوی موسی (ع) با قوم
عادی	ای قوم من!	مأنوسانه	هم‌شهری‌ها	هود: ۸۵	یا قَوْمٍ	خطاب شعیب (ع) به قوم
عادی	ای عزیز (مصر)	فروتنانه	ای بزرگوار	یوسف: ۷۸	یا أَئِلَّا الْعَزِيزُ	خطاب برادران یوسف به وی

چنان‌که در جدول بالا ملاحظه می‌شود گزینش معادل‌های انتخاب شده در ترجمه خواندنی قرآن عمدتاً بر اساسِ موقعیت‌های کلامی قرآن صورت پذیرفته است تا گویای سبک عبارات باشد. نکته دیگر آن که معادل‌یابی عبارات یکسان نیز بر اساس سیاق عبارات،

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آلبویه لنگرودی

گاه متنوع دیده می‌شود. این در حالی است که در ترجمه گرمارودی سبک عبارات به طور یکنواخت و یکسان در نظر گرفته شده است.

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعْهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَأَنْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعُلْ مَا تُؤْمِنُ﴾ (صفات/ ۱۰۲)

ترجمه ملکی: «وقتی به سنی رسید که می‌توانست همپای پدر کار کند، ابراهیم به او گفت: «گل پسرم، دائم در خواب می‌بینم که دارم قربانیت می‌کنم! نظر تو چیست؟» گفت: «پدر جان، هر کاری را که دستور می‌گیرید، انجام دهید». لحن گفتگوی ابراهیم (ع) با فرزند گویای کشمکش عاطفی وی در این آیه شریفه هست؛ فرزندی که حدود یک قرن در انتظارش بوده و با دعا و تضرع او را از خداوند گرفته است، اکنون که رشد کرده و بازویی برای پدر پیش شده است باید با دست خودش او را ذبح کند. پاسخ اسماعیل یک نحوه دلجویی است، می‌خواهد به پدر بگوید: من از اینکه قربانی ام کنی به هیچ وجه اظهار ترس نمی‌کنم و در پاسخ چیزی نگفت که باعث ناراحتی پدر شود و از دیدن آن جسد به خون آغشته فرزندش به هیجان درآید، بلکه سخنی گفت که اندوهش پس از دیدن آن منظره کاسته شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۳۱).

﴿قَالَ يَا ابْنَ أَمَّ لَا تَأْخُذْ لِلْحَيَّيِّ وَلَا بِرَأْسِ إِنِّي حَشِيتْ أَنْ تَهُولَ فَرَقَّتْ بَيْنَ بَيْنِ إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقِبْ حَوْلَيِّ﴾ (طه/ ۹۴)

ترجمه ملکی: هارون گفت: «برادر جان، ریش مرا چرا چسبیده‌ای؟ آخر، ترسیدم که اگر شدت عمل به خرج دهم، بعداً بگویی: بین بی اسرائیل تفرقه انداختی و سفارشم را درباره اصلاح امور رعایت نکردم!»

﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَصِبَانَ أَسِفًا قَالَ يُنَسَّمَا خَلَقْتُمْنِي مِنْ بَعْدِي أَعْجِلُنَّ أَمْرَ زَبْدُمْ وَالْقَسِّي الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجْرُهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أَمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَا تُشْمِثْ بِي الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (اعراف/ ۱۵۰)

ترجمه ملکی: خدا خبر گوساله پرستی را به موسی رساند. وقتی عصبانی و ناراحت به

میان قومش آمد و آن را به‌چشم خودش دید، گفت: «بعد از رفتنم به کوه طور، بد جانشین‌هایی برایم بودید! چرا تا پایان قرار چهل روزه طاقت نیاوردید؟!» موسی لوح‌های تورات را به کناری گذاشت و یقظه برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید! هارون گفت: «برادرجان، این مردم نادان تحت فشارم گذاشتند و چیزی نمانده بود مرا بکشند! با این رفتار دشمن شادم نکن و مرا در ردیف مخالفانت به حساب نیاور!»

در جدال میان رهبران و پیروان:

﴿فَالْوَابُلْ أَتَتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَتَتُمْ قَدَّمَتُمُهُ لَنَا فِيْسَ الْقَرَار﴾ (ص / ۶۰)

ملکی: پیروان می‌گویند: «شما خیر نبینید» این وضعی بود که شما برایمان پیش آوردید و اینجا بد جایگاهی است».

گرمارودی: می‌گویند: «بلکه شما را خوشامد مباد، شما این راه را پیش مانهادید و آن بد قرارگاهی است».

معادلهایی چون «خوشامد مباد»، «مرحباً مباد»، «خوش مباد»، که در اغلب ترجمه‌های فارسی ملاحظه می‌شود، ترجمه معنایی و نه سبکی این واژه به شمار می‌آید و این تعبیر «لا مرحباً بكم» نفرینی است از رؤسا به پیروانشان که به وسعت و گشایشی دست نیابند، زیرا آنها آتش را اختیار کرده‌اند. پیروانشان در جواب گفتند: این شما هستید که شایسته است جای شما وسعت نداشته باشد، زیرا شما بودید که ما را به راهی بردید که امروز آتش بر ما واجب شد.

﴿يَوْمَ يَرْفَعُ الْمَلَائِكَةُ لَا بُشْرٍ يَوْمَئِلُ الْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا مَحْجُورًا﴾ (رقان / ۲۲)

این آیه شریفه گفتگوی فرشتگان و مجرمان در روز قیامت را مجسم می‌سازد. در تعیین «گوینده» و «مخاطب» این بخش از آیه «يقولون حجراً محجوراً»، دیدگاه‌های تفسیری متفاوتی وجود دارد؛ برخی از مفسران، مجرمان و برخی دیگر، فرشتگان را قائل این عبارت پنداشته‌اند (ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۶۱). به تبع تفاسیر متعدد، عملکرد مترجمان نیز

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

همسان نیست و برگدان‌های مختلفی از آن‌ها ملاحظه می‌شود. صاحب *المیزان* ضمن اشاره به هر یک از وجوده معانی این عبارت، « مجرمان » را به سیاق آیات نزدیک‌تر می‌داند: « فاعل « يقولون » همان مشرکین‌ند یعنی مشرکین آن روز به ملائکه‌ای که قصد عذاب ایشان را دارند **﴿ حِجْرًا مَخْجُورًا ﴾** می‌گویند، و مقصودشان این است که ما را پناه دهید. بعضی از مفسرین گفته‌اند: ضمیر جمع به ملائکه برمی‌گردد، و معناش این است که ملائکه به مشرکین می‌گویند: حرام است بر شما شنیدن بشارت یا پس امروز برای شما هیچ پناهی نیست؛ ولی معنای اول به سیاق آیات نزدیک‌تر است» (*طباطبایی*، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۲۷۶).

ترجمه ملکی نیز بر اساس همین تفسیر صورت پذیرفته است.

ترجمه ملکی: « وقت مرگ که فرشتگان را بیینند، برای چنین گناهکارهایی اصلاً خبر خوشی در کار نیست. با التمام، به فرشتگان می‌گویند: **« رَحْمٌ كَنِيدْ بِهِ مَا! »**

ترجمه گرمارودی: روزی که فرشتگان را بیینند آن روز، هیچ مرثه‌ای برای گناهکاران نخواهد بود و **(فرشتگان به آنان) می‌گویند: **« رَحْمٌ خَدَاوَنْدٌ سَخْتٌ (از شما) دور باد. »****

افزون بر حفظ سازوکارهای ادب‌مندی در ترجمه ضمیر و شمار، رعایت شأن و جایگاه « گوینده » و « مخاطب »، در معادل‌گزینی نیز ضروری است؛ به‌ویژه مواضعی که گوینده آن باری‌تعالی است. در توضیح این مطلب، گفتگوی میان پروردگار و دوزخیان از سوره مؤمنون را تحلیل می‌کنیم:

دوزخیان در مقام اعتراف و ندامت در روز قیامت می‌گویند: **« رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عَذْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ »** (مؤمنون / ۱۰۷)، در پاسخ به آن‌ها پروردگار متعال می‌فرماید: **« اخْسُؤُ فِيهَا وَ لَا تَكَلَّمُونَ »** (مؤمنون / ۱۰۸)، این سخن را در حالی می‌گویند که گویی از این واقعیت بی‌خبرند که سرای آخرت دار جزاست نه عمل، و بازگشت به دنیا دیگر امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، با قاطعیت تمام به آنها پاسخ داده: **« قَالَ اخْسُؤُ فِيهَا وَ لَا تَكَلَّمُونَ »**. واژه « خسا » برای راندن و دور کردن سگ به کار می‌رود و نسبت به انسان، برای ساخت کردن زبونانه است. صاحب

مفردات درباره این واژه می‌نویسد: «خَسَأْتُ الْكَلْبَ فَخَسَّاً» سگ را دور کردم پس او نیز دور شد و این مطلب زمانی گفته می‌شود که به او احساً بگویی». (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۳۹) با دقت در برگردان‌های مختلف فارسی این آیه مبارک، تنوع در معادل‌گزینی مترجمان ملاحظه می‌شود که در جدول زیر آمده است:

جدول ۳: معادل‌گزینی

واژه قرآنی	معادل منتخب	متوجه	معنای معادل	بار معنایی
اخسوا	دور شوید	ترجمه‌های کهن (طبری، مبیدی، ابوالفتوح)، ترجمه‌های معاصر: فیض الاسلام؛ الهی قمشه‌ای؛ مکارم، مجتبی	فاصله‌گرفتن و جدا شدن است و مفهوم مجازی آن پرهیز و اجتناب کردن است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۴: ۳۳۹۰).	- خشی معمولی
	گم شوید	خرمشاهی؛ فولادوند؛ گرمارودی	«گم شدن: دشنام گونه‌ای که هنگام عدم رضایت از کسی و راندن و دور کردن او به کار بردۀ می‌شود» (همان، ج ۶: ۶۲۳۸).	توهین‌آمیز و توبيخی
بتمرگید	خرمدل		«تمرگیدن» سخن توهین‌آمیز در معنای نشستن است (همان، ج ۳: ۱۸۹۵).	"
گورتان را گم کنید	ملکی		«گور خود را گم کردن»: سخن توهین‌آمیز در معنای مجازی رفتن و رفع مزاحمت کردن است (همان، ج ۶: ۶۲۶۹).	"

درست است که کلمه «اخسوا» تعییری تند و عتاب‌آلود است؛ اما تعییر توبيخی «گورتان را گم کنید» در ترجمه ملکی، چندان با جایگاه «گوینده» سازگار نیست.

یا در نمونه دیگر از سوره مریم، در توصیف نیایش و زمزمه عرفانی ذکریا (ع) آمده است: «قالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظَمُ مِنِّي وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْئًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَايَكَ رَبِّ شَقِيقًا» (مریم / ۴)، تقدیم منادا در این تبادل کلامی، برای بزرگداشت مخاطب، استرحام و توصیف موقعیت وضعف خویشتن است. حذف حرف ندا از رابطه تنگاتگ بnde و معبد حکایت دارد تا نشان‌گر اوج

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آلبویه لنگرودی

باور و ایمان زکریا (ع) باشد؛ اما نکته مهم‌تر در این گفتگو، تکرار ظریف و پر معنای «رب» در پایان آیه است که در القای احساس نیاز و تجسس لحن عاطفی گوینده نقش به سزاپی دارد. این بازآوری، شکل‌دهنده هسته مرکزی دعا و احیای فضای خصوص و حس درونی گوینده در پاکشاری و تمنای اجابت است. در تفسیر المیزان درباره این تکرار آمده است: «تکرار کلمه «رب» و قرار دادن آن بین اسم «کان» و خبرش، بلاغتی است که ممکن نیست با هیچ مقیاسی اندازه‌گیری نمود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۷). حال آیا می‌توان این دلالت بلاغی حاصل از خصوصیت سبکی تکرار را با وجود نقش محوری در فضای خطاب، در ترجمه نادیده انگاشت؟ بررسی شماری از ترجمه‌های معروف و امروزین قرآن (الهی قمشه‌ای، صفارزاده، مکارم، گرمارودی و حداد عادل) حکایت از وجود نوعی خلاً سبکی در ترجمه نیایش عارفانه زکریا (ع) است.

جدول ۴: مقایسه ترجمه دعای حضرت زکریا (ع)

ترجمه آیه	ترجم
عرض کرد که پروردگارا، استخوان من سست گشت و فروع پیری بر سرم بتأفت و با وجود این من از دعا به درگاه کرم تو خود را هرگز محروم ندانسته‌ام.	الهی قمشه‌ای
پروردگارا! استخوانم سست شده؛ و شعله پیری تمام سرم را فراگرفته؛ و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده‌ام!	مکارم شیرازی
گفت پروردگارا، مرا استخوان سست گشته و آتش پیری در سر شعله کشیده، هرچند هرگز از دعا به درگاه تو محروم نبوده‌ام.	حداد عادل
[و عرض کرد:] «آفریدگار پروردگارا، در اثر پیری، استخوان‌های من سست شده و موی سرم سفید گشته و هرگز دعای مرا بی‌نصیب نفرموده‌ای	صفارزاده
گفت: «پروردگارا! به راستی استخوانم سست و (موی) سر از پیری سپید شده است و هیچ‌گاه در خواندن تورنجور نبوده‌ام».	گرمارودی
و گفت: «خدایا، استخوان‌هایم پوک شده و گرد پیری بر سرم نشسته است تا به حال هم نشده که از دعا به درگاهت، ای خدا، دست خالی برگدم».	ملکی

۴-۴- تصريح و افزوده‌های گفتارمحور

تصريح اصطلاحی به معنای «آشکار کردن اطلاعات ضمنی متن مبدأ در متن مقصد است.» تصريح اطلاعات در متن مقصد حداقل در سه سطح روی می‌دهد: نحو، معنی و کاربرد-گفتمان. تکنیک‌های تصريح عبارتند از: استفاده از کلمات یا عبارات تصريح کننده، به کارگیری ابزارهای انسجام و از بین بردن ابهامات ساختاری. تصريح ممکن است اجباری، اختیاری و کاربردشناختی باشد» (فرزاد، ۱۳۸۲: ۶۶). وصف حالت و لحن گوینده، زنده کردن فضای مکالمه با نقل مستقیم و گاه غیرمستقیم و با دستکاری در متن گفتار برای مطابقت دادن آن با سیاق کلام، وصف واکنش‌های شرکت کنندگان و شنوندگان، استفاده از سبک‌های زبانی گوناگون به تناسب موقعیت و خصوصیات و تعلق اجتماعی گوینده، نشان دادن موضع و حالت گوینده، چون تأیید و اعتراض و امر و نهی یا درد و دلگویی با بهره-گیری از افعال و قیود و صفت‌های مناسب است.

تعیین طرف‌های گفتگو و تصريح به نام شخصیت‌ها در ترجمه نیز یکی از راهبردهای مترجم در رسایی خطاب‌های قرآنی است. برای نمونه در این آیه شریفه از سوره مریم:

﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلْمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَيِّدا﴾ (مریم / ۲۹)

ترجمه ملکی: «ولی مریم با خاطری آسوده به عیسی اشاره کرد که از خودش بپرسید. آن‌ها با عصبانیت گفتند: «آخر، با بچه‌قداقی چطور حرف بزنیم؟» عبارت‌های قیدگونه‌ای را که بیانگر توضیحات بیشتری از حالات و احساسات، تمایلات و نگرش‌های ذهن شخصیت است، می‌آورد. این اطلاعات به شکل‌گیری و انتقال تصویر شخصیت در ذهن خواننده کمک می‌رساند.

افزودن برخی از کلیدواژه‌ها متناسب با موقعیت کلامی، گویای توجه مترجم به لحن شخصیت‌هاست. نمونه‌های زیر از آن جمله است:

﴿قَالَ رَبُّ آنِي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَ كَائِنٌ اثْرَاتِي عَايِرًا وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبِيرِ عِتِّيًا﴾ (مریم / ۸)

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آلبویه لنگرودی

ترجمه ملکی: زکریا با کنجکاوی پرسید: «خدایا، آخر چطور ممکن است پسردار شوم؟! همسرم که نازاست و خودم هم از شدت پیری، شکسته و افتاده شده‌ام!

(قالَتْ أَنِي يَكُونُ لِي عَلَامٌ وَلَمْ يَمْسِسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيَا) (مریم / ۲۰)

ترجمه ملکی: مریم با تعجب پرسید: «آخر، چطور ممکن است پسردار شوم؟! با اینکه نه مردی با من ازدواج کرده و نه بدکاره بوده‌ام!

(وَقَالَتْ أُولَامْ لِأَخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ) (اعراف / ۳۹)

ترجمه ملکی: «حال، پیشوايان به پيروانشان مي گويند: «خون شما که رنگين تر از ما نیست تا عذابتان کمتر از ما باشد!» بله بچشید عذاب را در نتیجه کارهای زشتی که می-کردید»

(وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَئَنَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَقْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُنِي وَلَوْمُوا أَنفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِحُكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِلَّيْنِي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلِ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (ابراهيم / ۲۲)

ترجمه ملکی: «وقتی حساب و کتاب قیامت تمام شود، شیطان به هر دو گروه می گوید: «خدا به شما وعده‌های راست داد. من هم به شما وعده دادم؛ اما زیرش زدم! زورتان نکرده بودم. فقط دعوتان کردم به کارهای زشت. شما هم دعوتم را قبول کردید؛ پس خودتان را ملامت کنید، نه مرا؛ اینجا نه من فریادرس شمایم و نه شما فریادرس من. به من چه مربوط که در دنیا، از من حرف شنوی داشتید، نه از خدا! امروز عذابی زجر آور در انتظار بدکارهایی مثل ماست».

۵- نتیجه‌گیری

دستاورد پژوهش حاضر در موارد ذیل خلاصه شده است:

۱. گفت‌وگو یکی از راه‌های اصلی گسترش ماجراها و تصویر منش‌ها و بازنمود موقعیت‌هاست. در آیات قرآن کریم، گفت‌وگو – به ویژه در دل داستان‌ها – جایگاه برجسته و پربسامدی دارد. لازمه فهم بهتر و همراهی با وقایع این داستان‌ها، گزینش زبان متناسب با هر یک از چهره‌های قرآنی و توجه به مختصات سبکی گفتگوهای این اشخاص در ترجمه است.

۲. مسأله تعادل گفتگوها و تنوع الحان، تاکنون در ترجمه‌های فارسی قرآن (ترجمه‌های معنایی و مبداآگرا) مغفول مانده و اغلب در برگردان خطاب‌های قرآنی، به سبب عدم تفکیک لحن گفت‌وگو، گوینده و مخاطب، ریزش معنا ملاحظه می‌شود. اغلب این برگردان‌های قرآنی اگرچه محتوا و مفهوم مخاطبات قرآنی را به خوبی انتقال داده‌اند، اما در حصول به حداقل تعادل سبکی، ناموفق بوده‌اند؛ زیرا رعایت این مسأله با توجه به قدسی بودن متن، و ضرورت وفاداری به متن، بسیار دشوار و گاه غیرممکن به نظر می‌رسد.

۳. در ترجمه‌های تفسیری یا پیام‌رسان که التزام به متن چندان مد نظر نیست، انتقال سبک و لحن گفتگوها تا حدی امکان‌پذیر است تا مخاطبِ ترجمه فراز و فرود الحان گفت-وشنودهای قرآنی را دریابد و از دل این گفت‌وگوها به رفتار و اندیشه‌های گویندگان آگاهی یابد.

۴. در تبادل کلامی میان شخصیت‌های قرآنی، عواملی چون نوع گزینش واژه‌ها، ساختار نحوی و آوایی آیه، عناصر سبک‌ساز به شمار می‌آیند. انتقال سبک و الحان گفتگو تنها به معادل‌یابی محدود نمی‌شود؛ بلکه نحوه ترکیب عناصر و اجزای کلام در برگردان بسیار مهم است.

۵. در ترجمه این بخش از آیات، انتخاب معادل می‌باشد بر اساس بافت کلی متن صورت پذیرد و کلیت متن، محور ترجمه قرار گیرد تا فضای حاکم بر تبادل‌های کلامی به نیکی درک گردد. مترجم ترجمه خواندنی قرآن در طرحی ابتکاری، توجهی خاص به

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعالی آلبویه لنگرودی

حوالهای قرآنی داشته و با تکیه بر راهبردهایی چون توجه به معنای سبکی واژه‌ها، ساختار ترکیبی جمله، استفاده از افرودهای غربات‌زدا، بهره‌گیری از واژه‌ها و تعابیر گفتارمحور، به بازآفرینی سبک گفتگوها و انتقال لحن، پرداخته است.

۶. مترجم ترجمه خواندنی قرآن گاه با استفاده از واژه‌هایی که به قلمرو محاوره و زبان گفتار تعلق دارد، سعی کرده رابطه دوسویه گفتگو را در ترجمه بازسازی کند.

۷. مترجم ترجمه خواندنی قرآن با افروden شرح در پانوشت سعی در پر کردن خلاهای فرهنگی دارد و خواننده ترجمه را در جریان متن اصلی قرار می‌دهد.

۶- پی‌نوشت

۱. برخی از صاحبنظران آیات قرآن را در سه سبک کلی خطابی، ادبی و علمی جای داده‌اند. امتیاز سبک خطابی بر سبک‌های دیگر آن است که معانی در این سبک قوت بیشتری دارند و تصویر آن از مبالغه بیشتری برخوردار است (باقوری نقل در جواهری، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

- ۲. Equivalence
- ۳. Equivalence-based
- ۴. Typology
- ۵. Denotative
- ۶. Connotative
- ۷. Pragmatic
- ۸. Skopos theory
- ۹. Tone
- 10. Nonverbal Communication.

منابع

قرآن کریم

۱. احمدخانی، محمد رضا، «بررسی جامعه‌شناسی عبارات خطاب در فارسی گفتاری محاوره‌ای»، زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره اول، صص: ۱۸-۱، (۱۳۹۳ش).
۲. امامی، کریم، از پست و بلند ترجمه، تهران: انتشارات نیلوفر، (۱۳۷۲ش).
۳. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، (۱۳۸۲ش).
۴. باقری، محمد مهدی؛ ملکی، علی؛ «معرفی ترجمه خواندنی قرآن (بخش ۲)»، ترجمان وحی، سال ۱۹، شماره ۳۷، صص: ۱۱۳-۱۳۶، (۱۳۹۴ش).
۵. بیکر، مونا؛ سالدینیا، گابریلا؛ دایرة المعارف مطالعات ترجمه، ترجمه: حمید کاشانیان، تهران: نشر نو (۱۳۹۶ش).
۶. پالامبو، گیزیه، اصطلاحات کلیدی در مطالعات ترجمه، ترجمه فرزانه فرجزاد و عبدالله کریم‌زاده، تهران: قطره، (۱۳۹۲ش).
۷. جواهری، محمد حسن، درسنامه ترجمه: اصول، مبانی و فرآیند ترجمه قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۹ش).
۸. خزاعی‌فر، علی، «نظریه ترجمه، دیروز و امروز»، نامه فرهنگستان، شماره ۴، صص: ۶۹-۷۹، (۱۳۸۴ش).
۹. ———، «سبک نویسنده و سبک مترجم»، فصلنامه مترجم، سال بیست و هفتم، شماره ۶۴، صص: ۳-۱۴، (۲۰۱۸م).
۱۰. ———، ترجمه متون ادبی، تهران: سمت، (۱۳۸۹ش).
۱۱. خطیب، عبدالکریم، القصص القرآنی فی منطقه و مفهومه، بیروت: دارالعرفة، (۱۹۷۵م).
۱۲. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مروارید، (۱۳۸۷ش).
۱۳. سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروح، (۱۴۲۵ق).
۱۴. شمیسا، سیروس، کلیات سبک‌شناسی، تهران: انتشارات فردوس، (۱۳۷۳ش).
۱۵. صانعی‌پور، محمد حسن، مبانی تحلیل کارکشی در قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، (۱۳۹۰ش).
۱۶. صلیبی، ژاستن، «تحلیلی بر سهم ارتباطات غیرکلامی در کنش اجتماعی»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال دوم، صص: ۱۰۱-۱۰۹، (۱۳۹۰ش).

بررسی ترجمه‌گفتوگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آلبویه لنگرودی

۱۷. طالقانی، محمود، پژوهی از قرآن، تهران: سهامی انتشار، (۱۳۶۲ش).
۱۸. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی)، (۱۳۷۴ش).
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، *معجم البيان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).
۲۰. فضل الله، محمدحسین، *الحوار فی القرآن*: قواعده، آسالیه و معطیاته، بیروت: دارالملک، (۱۹۹۶م).
۲۱. لطفی‌پور ساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۷۱ش).
۲۲. ماندی، جرمی، *معرفی مطالعات ترجمه: نظریه‌ها و کاربردها*، ترجمه علی بهرامی و زینب تاجیک، ویراست چهارم، تهران: رهنما، (۱۳۹۷ش).
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، (۱۳۷۱ش).
۲۴. ملکی، علی، «مبانی و ویژگی‌های ترجمه خواندنی قرآن با نگاه تفسیری و پیامرسان»، ترجمان وحی، سال ۱۸ و ۱۹، شماره ۳۵ تا ۳۸، صص: ۴۲-۱.
۲۵. ———، ترجمه قرآن (ترجمه خواندنی قرآن: ترجمه تفسیری و پیامرسان)، تهران: مؤسسه قرآنی بهار دل، (۱۳۹۵ش).
۲۶. موسوی گرما روی، علی، ترجمه قرآن، چاپ دوم، تهران: قدیانی، (۱۳۸۴ش).
۲۷. موسوی، شایسته سادات، «سازوکار ترجمه‌ها در غربات‌زدایی از گفتمان نقد و نظریه ادبی با تمکز بر ارتباط «الحن»، «صلدا» و «قدرت»، مجله نقد و نظریه ادبی، سال پنجم، شماره ۹، صص: ۱۶۹-۱۹۴، (۱۳۹۹ش).
۲۸. میرصادقی، جمال، *عناصر داستان*، چاپ نهم، تهران: سخن، (۱۳۹۴ش).
۲۹. نصیری، حافظ، روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی، تهران: سمت، (۱۳۹۰ش).
۳۰. هتیم، بزیل؛ ماندی، جرمی؛ مرجعی پیش‌رفته برای ترجمه، ترجمه مریم جابر، تهران: سمت، (۱۳۹۳ش).
۳۱. یل‌شرزه، رضا؛ منصفی، رفیا؛ «ترجمه مخاطب محور قرآن خواندنی علی ملکی: رویکردی نو به ترجمه قرآن»، مجله مطالعات زبان و ترجمه، شماره چهارم، صص: ۱۸۶-۲۱۲.

دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث دوره ۹، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

(ش ۱۴۰۰).

۳۲. یول، جورج، کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، تهران: سمت، (ش ۱۳۸۷).